

# بین طراحی و نقاشی مرزی وجود ندارد

گفت و گو با غلامحسین نامی

● ثمانه قدرخان

● این نمایشگاه، در کارنامه هنری تان و در بین فعالیت‌های شما از چه جایگاهی برخوردار است؟

○ راضی بودم، چون آن کارها را خیلی دوست داشتم، همیشه کارهایی را که با حس کامل انجام می‌دهم و بیان‌کننده ذهنیات من است، بسیار دوست دارم. این نمایشگاه هم از نظر خودم، از جابگاه خوبی برخوردار است.

مردم هم خیلی استقبال کردند. ارتباط آنها با کارها بسیار رضایت‌بخش بود زیرا انگیزه کارهای اخیر من خاک و کویر ایران است. گل در کارهای من نمودی دارد که با مردم بسیار آشناست، به ویژه در معماری بومی ایران که من سال‌هاست عاشق آن هستم. چند سال پیش که به ایبانه سفر کردم، تحت تأثیر معماری آنجا قرار گرفتم، ولی شدت اثرات این معماری در کارهای اخیرم نمود پیدا کرده است و به وضوح به چشم می‌خورد. این کارها بوی ایران را می‌دهد و این بوی، برای من بسیار شکرمند و لذت‌بخش است.

● با توجه به برگزاری نخستین نمایشگاه بین‌المللی طراحی معاصر تهران که یکی از رویدادهای مهم هنری کشورمان است و شما دبیر آن هستید، چه تعریفی از طراحی دارید؟

○ تعریف طراحی در طول زمان، تفاوت چندانی نکرده، بلکه شکل قالب‌های آن تغییر کرده است.

در گذشته به ویژه از قرن شانزدهم به این طرف، طراحی به عنوان یک پیش‌نیاز، اتود و یادداشتی برای یک اثر نقاشی بوده است به گونه‌ای که هنرمند فیگورهای خود را طرح می‌زد بعد آن را بزرگ و رنگ می‌کرد. به این ترتیب آن اثر به یک نقاشی تبدیل می‌شد.

طبیعتاً قالب طراحی در آن زمان همین بوده و به عنوان یک روش مستقل هنری، زبان مستقلی نداشته است اما کم‌کم از اواخر قرن نوزدهم به بعد به ویژه در قرن بیستم، طراحی جایگاه و بیانی مستقل پیدا می‌کند. ما هنرمندانی داریم که ذهنیات خود را تنها با طراحی بروز می‌دهند البته قالب هم یک مقدار عوض شده، همان‌گونه که مکتب‌های هنری فراوان و گوناگونی در قرن بیستم به وجود آمده است، پدید آمدن مکاتب هنری، با تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تکنولوژی و دیگر

امسال تهران شاهد یک

رویداد مهم در عرصه

هنرهای تجسمی بود:

برگزاری نخستین

نمایشگاه بین‌المللی

طراحی معاصر. برای این

نمایشگاه می‌توانست

انگیزه‌ای باشد تا با

هنرمند گرامی و غلامحسین

نامی، دبیر این جشنواره

گفت و گویی انجام دهیم.

اما علاوه بر این رویداد

مهم، برپایی نمایشگاه آثار

«غلامحسین نامی» اندکی

پیش از افتتاح جشنواره نیز

انگیزه دیگری بود که ما

را به این کار ترغیب نمود.

با هم این گفت و گورا

می‌خوانیم:

مسائل رابطه مستقیم دارد. همان‌گونه که تکنیک‌ها و نگاه نقاشی در قرن بیستم تغییر پیدا می‌کند، طراحی هم به همان اندازه، نگاه متفاوتی می‌یابد و قالب عوض می‌کند. امروز مرز میان طراحی و نقاشی به کل برداشته شده است. زمانی که می‌گزینهیم طراحی، در ذهن همگان، تعریف رنسانسی و کلاسیک آن مجسم می‌شود. اغلب بر این باورند که طراحی با خط است و اگر رنگ در کار بیاید، دیگر طراحی نیست، در حالی که امروز در قرن بیستم، طراحی خط و رنگ دارد و می‌تواند یک کلاژ یا یک نقاشی باشد. کیفیت خط باید در کار خودنمایی کند نه کمیت خط؛ بنابراین طراحی امروز می‌تواند همه چیز باشد، به این شرط که خط از نظر کیفی، یک عنصر غالب باشد. البته ممکن است مقدار خط کم باشد ولی از نظر بصری باید جایگاه مؤثری در کار داشته باشد.

● با توجه به این که این رویداد یک اتفاق بزرگ هنری به شمار می‌آید، زمره‌هایی شنیده می‌شود مبنی بر این که شما آثاری را که روی بوم انجام شده، نقاشی تلقی کرده‌اید، سؤال من این است: آیا تنها انتخاب صفحه اثر (بوم) می‌تواند یک کار را از مقوله طراحی خارج کند؟

○ موضوع کاملاً عکس این زمره است، چون ما از روز اول هم اعلام کردیم که اثر می‌تواند روی بوم، تخته، پلاستیک، شیشه، سنگ یا هر ماده دیگری باشد. ما بسیاری از طراحی‌ها را که روی بوم بود قبول کردیم، چون این که زمینه کار سنتی و یا حتماً کاغذ باشد، دیگر معنی ندارد. شما روی هر ماده‌ای طراحی کنید، مورد قبول است، حتی افراد می‌توانستند بیایند اینجا با نور در فضا طراحی کنند.

● با چه ملاک و مبنا و معیاری کارها را گزینش کرده‌اید؟

○ تعریفی که من از طراحی معاصر دارم، معیار هیأت انتخاب بوده و با این دیدگاه طراحی‌ها را انتخاب کرده‌ایم.

● در مقاله کوتاهی که در بروشور نمایشگاه طراحی نوشته‌اید، طراحی را چنان بیان کرده‌اید که در گذشته طراحی، ثبت ایده‌های اولیه در ساخت یک اثر نقاشی بوده، اما امروزه کامل و مستقل و دارای تمام ویژگی‌های یک اثر هنری خلاق است؛ به نظر شما ویژگی‌های یک اثر هنری خلاق و مستقل چیست؟

○ اصولاً خلاقیت هنری، چیزی جز بیان عواطف و احساسات و ذهنیات هنرمند در مورد حیات اجتماعی او نیست. خلاقیت هنری می‌تواند هر چیزی باشد، اعم از موسیقی، معماری، نقاشی، طراحی و... یک اثر خلاق دارای چنین ویژگی‌هایی است. طراحی هم می‌تواند به پیروی از این مسأله، خلاق باشد، یعنی هر کسی می‌تواند به صورت سریع و فی‌البداهه، اثری خلق کند.

یکی از معانی که ما در طراحی بیشتر روی آن تأکید داریم، فی‌البداهه بودن اثر است، یعنی احساس خیلی سریع و فی‌البداهه بیان شود و کار، حالتی یادداشت‌گونه داشته باشد، البته نمی‌توان گفت که تنها اثری طراحی به شمار می‌آید و خلاق است که فی‌البداهه باشد و سریع کار کند.

یک سری عناصر بصری باید با اصول و مبانی هنر تجسمی تطبیق داده شود و با احساس و به پیروی از آن اصول و معانی، روی یک سطح پیاده شود که این سطح می‌تواند هر چیزی باشد. امروز شما می‌توانید با رنگ طراحی کنید، می‌توانید کلاژ کنید و رنگ و خط هم روی آن بیاورید، حتی می‌توانید کاری سه بعدی انجام دهید که طراحی باشد. ما در نمایشگاه کارهای سه بعدی هم داریم. حرف آخر این که مرز بین طراحی و نقاشی بسیار کم‌رنگ شده است.

● در مورد فی‌البداهه بودن، توضیح بیشتری بدهید، آیا پشت یک اثر فی‌البداهه فکر چند ساله هم می‌تواند باشد یا نه؟

○ ممکن است یک طرح، ۱۰ سال روی یک موضوع فکر کرده باشد و بعد کار را پیاده کند، ولی اجرای آن را در لحظاتی سریع و کاملاً اتفاقی انجام دهد. در بسیاری از مواقع، خلق طراحی ناخودآگاهانه انجام می‌شود. هر اثر هنری غیر از طراحی، حتی نقاشی یا موسیقی هم همین‌گونه است و امکان دارد در یک حالت ناخودآگاه خلق شود.

اینجا دیگر مسأله الهام و ایهام در میان است و هیچ‌کس نمی‌داند چه لحظه‌ای به او الهام می‌شود و این یکی از پایه‌های مهم خلاقیت است.

● همواره بین اتود کردن، طراحی و دیزاین، التقاط ایجاد می‌شود، شما مرزهای بین این سه مقوله را در کجا می‌دانید؟

○ بهتر است این موضوع را به دو مقوله تقسیم کنیم: یکی طراحی (Drawing) و دوم دیزاین که به آن طرح و طراحی هم می‌گویند.

این دو مقوله متفاوت است. یک گرافیکست یک پوستر را دیزاین می‌کند، یک معمار هم همین‌طور، ولی یک نقاش یا مجسمه‌ساز یا حتی خود معمار ممکن است طراحی کند. فی‌البداهه بودن و یادداشت‌گونه بودن که من صفت طراحی قرار می‌دهم، به این دلیل است که در دیزاین، هرگز این فی‌البداهگی و سرعت وجود ندارد. یک معمار ممکن است ده‌ها بار یک کار را کمپوزسیون و یا جابه‌جا کند که این دیزاین است، ولی یک نقاش با یک حرکت سریع قلم، دو ضربه و چند ناخ، کار را تمام می‌کند که این می‌شود Drawing. اتود یعنی تمرین که در اینجا رابطه‌ای با طراحی ندارد، کار فی‌البداهه هم که اصراً اتود ندارد.

شما برای دیزاین اتود می‌زنید. طراحی از اینها جداست ولی اتود و دیزاین با هم رابطه مستقیم دارند. طراحی می‌تواند اتود دیزاین باشد، اتود هم می‌تواند طراحی باشد، یعنی آن لحظه که چیزی به نظر شما می‌آید و آن را می‌کشید، طراحی به حساب می‌آید. اتود برای دیزاین به کار می‌رود.

● به نظر شما جایگاه طراحی فیگوراتیو در طراحی معاصر کجاست؟ آیا ما در رت طراحی فیگوراتیو به عنوان برجسب یک عملکرد متحجرانه، از خود غربی‌ها پیشروتر نشده‌ایم؟

○ اصلاً این‌گونه نیست. من اصرار داشتم که دوستان هیأت انتخاب، کارهای خوب سنتی به طریقه کلاسیک را چنانچه ارزش هنری داشتند و خوب و مورد قبول بودند، حتماً در این نمایشگاه بپذیرند چون من به عنوان دبیر نمایشگاه نخواستم حق رأی داشته باشم به دوستان یادآور شدم که چنانچه تعداد بسیاری از کارها، این ویژگی را نداشتند، باز هم از میان آنها تعدادی از طراحی‌های فیگوراتیو با ارزش را بدون مرزبندی انتخاب کنند، زیرا این نمایشگاه باید تعادل داشته باشد.

کار خوب، سنتی، مدرن و کلاسیک ندارد، کار خوب، خوب است. اگر اصول را رعایت کرده باشد و به درجه خلاصت رسیده باشد، انتخاب می‌شود که البته این کار هم صورت گرفته است.

● غرب مدرن است و کشورهای در حال توسعه هم در حال مدرنیزه شدن هستند. برخی از اتدیشمندان، مدرنیزه شدن کشورهای جهان سوم (در حال توسعه) را یکی از وجوهات پسامدرن تعریف می‌کنند و تعدادی از نقاشان معاصر ما هم ادعای پسامدرن بودن دارند. تعریف شما از پست مدرن چیست؟

○ این بحث، بسیار طولانی است که مجال آن در اینجا نیست، ولی



عکس: میترا رضایی

● در حقیقت ما مدرنیته را پذیرفتیم ولی این برای نقاشی و هنرمند ما درونی نشده است و ما هنوز در فهم مدرنیته مشکل داریم.

به طور خلاصه باید بگویم که کشور ما به دلیل جهان سوم بودن و این که ما سنت اروپا را در مسیر خلاقیت هنری و تاریخ هنر نداریم، مدرنیته شدن را در خود حل نمی‌کند. ما از یک دوره‌ای، متوجه دنیای غرب شدیم و تحت تأثیر آنها قرار گرفتیم. در حقیقت ما مدرنیته را پذیرفتیم ولی این برای نقاش و هنرمند ما درونی نشده است و ما هنوز در فهم مدرنیته مشکل داریم. پست مدرن در اروپا بعد از یک دوران طولانی تاریخ هنر به وجود آمده و به همین دلیل است که وقایع آن زنجیروار با هم ارتباط دارند و علت و معلوم یکدیگرند و تارسیدن به پست مدرن یک روند طبیعی را طی کرده‌اند. در کشور ما، مدرنیته، به طور ناگهانی وارد شده و به همین دلیل هنوز درونی نشده است. تعداد اندکی از هنرمندان ما متوجه این رخداد شده‌اند ولی متأسفانه بقیه فقط به ظاهر می‌پردازند.

اما این که برخی می‌گویند پست‌مدرن در جهان سوم معنا پیدا می‌کند، خلاف عقیده من است، زیرا جهان سوم هنوز در دوران سنتی خودش باقی مانده است و چون در فلسفه پست مدرن به سنت توجه می‌شود، عده‌ای بر این باورند که جهان سوم بهتر می‌تواند پست مدرنیسم را ارائه دهد، در حالی که به هیچ وجه این گونه نیست. پست مدرنیست‌ها خود مدرنیست‌ها هستند که علیه مدرنیسم اعلامیه می‌دهند. ایراد آنها به مدرنیسم این است که مدرنیسم بسیاری از جنبه‌های مثبت هنر سنتی و کلاسیک را ندیده گرفته و آن را زیر پا گذاشته است. در حالی که ما باید دوباره به آن پدیده‌ها توجه کنیم. اما کسانی که این نظریه را دارند یک نکته را فراموش می‌کنند و آن هم این است که پست مدرنیسم در اروپا با عینک مدرنیسم به سنت نگاه می‌کند نه این که به خود سنت برگشت کند. در حالی که جهان سوم در خود سنت مانده و مدرنیسم را تجربه نکرده که بیاید با آن عینک نگاه کند، پس در اینجا یک اختلاف فاحش وجود دارد. به عقیده من پست مدرنیسم هنوز قطعی نشده و اما و چراهای فراوانی در پیش رو دارد.

● برای نتیجه‌گیری این صحبت‌ها، بفرمایید مرز بین طراحی و نقاشی کجاست که می‌گویید یک طراحی در یک جا نقاشی شده است؟

○ از نگاه شخصی من مرزی ندارد.

● یعنی ما کار تکرنگ را هم می‌توانیم طراحی به حساب آوریم؟

○ از نظر من فرقی ندارد، هر کاری، هم می‌تواند طراحی باشد و هم نقاشی به این علت می‌گویم از نظر من، که حداقل ۴۰ سال است ادعا می‌کنم نقاش مدرنی هستم و سعی کرده‌ام مدرن را بفهمم و آن را درونی کنم. برای من همچون یک نقاش اروپایی، مرز بین طراحی و نقاشی وجود ندارد. در این نمایشگاه طراحی، من پنج نفر از استادان بزرگ اروپا را دعوت کرده‌ام که اگر کارهای آنها را ببینید، این سؤال برایتان پیش می‌آید که کارهای آنها طراحی است یا نقاشی؟ در طراحی، خط از نظر کیفی باید غالب باشد و ما در این نمایشگاه به این نکته توجه کرده‌ایم.

● در پایان اگر صحبتی هست که نادیده گرفته شده، خوشحال می‌شویم بشنویم.

○ باید برای تمام دوستانی که کارهایشان قبول نشده است، بگویم که رد شدن کارها، دلیلی بر بد بودن و یا غیرهنری بودن آنها نیست، بلکه انتخاب ۲۸۰ اثر از هزاران اثر، این محدودیت را به وجود آورده است. انتخاب، کار مشکلی است که خالی از لغزش و خطا هم نیست و کسی هم نمی‌تواند ادعا کند که ما همه چیز را دقیق و منصفانه دیده‌ایم، اما به هر حال سعی بر این بوده که کارها به دقت انتخاب شوند. نکته دوم این که من به عنوان دبیر نمایشگاه، هیچ‌گونه نقشی در انتخاب اعضای هیأت انتخاب و هیأت داوران از بین خود و دیگران انتخاب کرده‌ام.

امکان دارد دوستان فکر کنند که تمام اتفاقات به دلیل مسئولیت بنده، به گردن من بوده است، در حالی که من نخواستم رأی بدهم و تنها مسئولیت سیاست‌گذاری کلی نمایشگاه را قبول کرده‌ام. شکی نیست که سعی کرده‌ام تا جایی که ممکن است بهترین کار انتخاب شود ولی اگر هم نشد، من نتوانستم هیچ‌گونه اعمال نظری بکنم.